





## مروری بر رفتار سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران



رفتار سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران؛ عنوان نوشتار مبسوطی است که چکیده‌ای رساز از آن تقدیم می‌شود. در این فرازا می‌توان به روشنی دریافت چرا روابط آمریکا و کشورمان این‌گونه پیچیده و آشتی‌ناپذیر شده و کینه عمیق این کشور با نظام مردمی ایران از کجاها آب می‌خورد. دلایل آشتی جویان و طرفداران مذاکره و رابطه نیز در ادامه، طرح و نقدشده وافقی نیز گشوده شده که سویه‌های رفتاری استکبار سلطه‌جوی آمریکا با دیگر کشورهای همگرا و همسوا به‌سیاست هایش را بازنگری کرده و مخاطب را به این نتیجه منطقی می‌رساند که مذاکره و رابطه، به‌مثابه خودزنی کامل و مرگ آرمان‌ها و اهداف و مطالبات تاریخی مردم ایران است؛ به همین روشنی!

## پیشینه ارتباطات

روابط ایران و آمریکا از ۱۲۶۵ شمسی با فعالیت‌شان در حوزه فرهنگی به‌ویژه آموزش و تاسیس مدرسه[غیرانتفاعی] در کشورمان آغاز شد.

انقلاب مشروطه تجلی خشم مردم از استبداد داخلی و استعمارگران انگلیس و روسیه بود که نفوذ این دو قدرت را عامل فقر و عقب‌ماندگی کشور می‌دانستند. لذا حضور یک قدرت سوم را به عنوان عامل بازدارنده دو قدرت دیگر در عرصه روابط خارجی ضروری می‌پنداشتند و بر این اساس، دولت و مجلس دوم مشروطه از مستشاران آمریکایی برای تنظیم امور مالی کمک خواست.

مورگان شوستر با هیاتی در ۱۹۰۴، اختیارات وسیعی از مجلس گرفت و امور مالی نیز گمرکات ایران را سامان بخشید اما با مخالفت روس و انگلیس پس از هشت ماه از ایران رفت. هرچند دوران مشروطیت، روابط ایران و آمریکا به حوزه اقتصاد نیز رسید. از این رهگذر در ایران، نگاه خوشبینانه‌ای نسبت به آمریکا شکل گرفت. در فضای برآمده از جنگ جهانی دوم، علی‌رغم اشغال کشور توسط آمریکا، بهره‌گیری از مستشاران آمریکایی افزون شد. پس از اعلام دکترین ترومن، ایران قراردادهای خرید نظامی با آمریکا منعقد کرد و برپایه اصل چهارم ترومن، کمک نظامی به ایران برای مبارزه با کمونیسم بلاگرفت.

## ایران زیر سلطه برمی‌خیزد!

سرانجام، نقاب امپریالیسم آمریکا در ملی شدن نفت با انجام کودتا افتاد. این چرخش راهبردی آمریکا به خاطر خطر چیرگی کمونیست در ایران، دسترسی غرب به ذخایر غنی نفت ایران و هماهنگی انگلیس با آمریکا، همچنین سیاست بدون انعطاف خود مصدق بود.

به گفته آگاهان، کودتا زخم مزمنی بر جای گذاشت که ۲۵ سال از آن خون می‌چکید و سرانجام با انقلاب ۱۹۷۸ [۱۳۵۷]، رابطه ایران و آمریکا تیره شد (جیمز ویل). کودتای ۲۸ مرداد، ایران را سلطه‌پذیر و در خدمت آمریکا و ابزاری در مقابل کمونیسم، مصرف‌کننده کالا‌های آمریکا و تأمین‌کننده منافع ملی ینگه دنیا کرد بی‌این‌که به ملت ایران سودی برسد.

اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی ایران برای آمریکا روشن بود به اضافه تحت نظر داشتن رقیب شمالی، یعنی شوروی از گستره پهناور کشورمان و ممانعت از دستیابی شوروی به خلیج فارس و اقیانوس هند.

ایران علاوه بر کمک به اسرائیل، منبع مطمئن نفت برای آمریکا بود.

با نخس وزیر علی علم ۴۱ تا ۱۳۴۲ رضایت خاطر آمریکایی‌ها با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید شاه فراهم شد اما او انکش شدید مردم و روحانیت، بعدها قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را رقم زد.

با فشار شاه به کابینه حسنعلی منصور؛ مجلس سنا امرداد ۱۳۴۳ لایحه کاپیتولاسیون را تصویب کرد و امام خمینی در آبان ماه ۱۳۴۳ فریاد سر داد ... مجلس به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا و اقرار کرد «ایران مستعمره است».

این رویداد هرچند به تبعید امام به ترکیه منجر شد اما در ادامه با قتل حسنعلی منصور توسط فداییان اسلام و سوء قصد نافرجام به جان شاه در کاخ مرمر، پیامد بلندمدتی داشت، یعنی توفان بهمن ۱۳۵۷ که رژیم پهلوی را سرنگون کرد.

## در اردوگاه شیطان بزرگ

روابط ظاهرا نزدیک شاه با روسای جمهور آمریکا، زمینه غارت منابع کشور بود؛ مخالفت ایران به ثمن پخش تقدیم آمریکا می‌شد اما دارآمدهای نفتی برای خرید تسلیحات چند برابرگران تر از آمریکا هزینه می‌شد.

همکاری دو کشور برای مقابله با حمله احتمالی شوروی به قرارداد دو جانبه نظامی انجامید که به حاکمیت آمریکا در ایران رسمیت داد به گونه‌ای که ایران زمان دکتر اقبال در سیطره آمریکا بود.

تعداد پرسنل نظامی آمریکا در ایران با احتساب خانواده ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر در سال ۵۷ بود. سال ۱۳۵۵ با سفر کسنیجر به ایران، پروتکل بازگازنی تا سقف مبادلات ۵۲ میلیارد دلاری امضا شد. این بزرگ‌ترین موافقتنامه‌ای بود که تا آن زمان بین دو کشور امضا می‌شد. شاه در راستای دکترین نیکسون همچنان به تأمین منافع آمریکا پرداخت، مانند سرکوب شورشیان ظفار، شرکت نکردن در تحریم نفتی اعراب و رابطه با اسرائیل و...

همچنین آمریکایی‌ها شاه را در کنترل و سرکوب مردم یاری می‌دادند (ریچارد کاتن)

نفوذ فرهنگی از ابزارهای مهم سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا در کشور بود و از ویژگی‌های کار فرهنگی آمریکا برقراری ارتباط با نخبگان عموما غریزده و نه مردم بود که باعث مهم‌ترین اشتباه محاسبات آمریکایی‌ها در درک ریشه‌ها و واقعیت‌های انقلاب اسلامی ایران گردید.

در حالی که فقر و گرسنگی در اکثر مناطق ایران بیداد می‌کرد، فساد و انحرافات به سبک زندگی آمریکایی در جامعه فراگیر بود.

## خدمت به اهریمن

از لحاظ سیاسی ایران در اردوگاه غرب قرار داشت. کارتر در خاطرات خود می‌نویسد: من نیز مانند دیگر روسای جمهور آمریکا بر این باور بودم که حفظ رابطه با مصر و عربستان و صدور نفت به اسرائیل در تحریم نفتی اعراب، حکایت از قابلیت شاه داشت که برای من آسایش‌آمیز بود. در مجموع، شاه مهره‌ای وابسته برای حفظ منافع غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه بود که به قیمت از دست رفتن حاکمیت و استقلال ایران تمام شد به‌علاوه اکثر دولت‌های پس از کودتا در ایران با نظر آمریکا و سیاری کار آمدند. بسیاری از ایرانیان انتظار داشتند کارتر در سفر سال ۱۳۵۶ به تهران از شاه بخواهد دوران سیاسی جدیدی با مطبوعات آزاد و سیستم حکومتی باز اعلام نماید اما کارتر به تمجید شاه پرداخت و بدین ترتیب دست وی را در سرکوب مخالفانش باز گذاشت (پیر سالینجر).

## شیطان کنش

سرکوب خونین تظاهرات مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ از نتایج تفاهم شاه و کارتر بود با ادامه اعتراضات و تظاهرات، سرکوب و کشتار ادامه پیدا کرد تا بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ که دوران رژیم دست‌نشانده پهلوی خاتمه یافت.

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع منطقه خاورمیانه و جهان، توازن قوا را در منطقه برهم زد و ایران با اعلام اصل نه شرقی، نه غربی در سیاست خارجی خود به عنوان قطب جدید قدرت ظاهر شد که مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران در راه رسیدن به استقلال ملی و تحقق سیاست نه شرقی، نه غربی رشته‌های وابستگی خود را یکی پس از دیگری پاره کرد و از پیمان نظامی سنتو خارج شد و به جنبش عدم تعهد پیوست با دولت اسرئیل قطع رابطه کرد و با لغو قراردادهای دوجانبه با آمریکا، موجبات خروج مستشاران نظامی و غیرنظامی این کشور از ایران را فراهم نمود.

## صف آرای شیطان

سنای آمریکا در اردیبهشت ۱۳۵۸ قطعنامه‌ای در محکومیت ایران تصویب کرد این واقعه از اولین موارد دخالت آمریکا در ایران پس از انقلاب به‌شمار می‌رود. به‌علاوه آمریکا از تحکرات ضدانقلاب در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان حمایت می‌کرد تا مهم‌ترین واقعه پس از انقلاب، یعنی اشغال لانه جاسوسی؛ سفارت آمریکا در ایران، فصل جدیدی از رویارویی میان ایران و آمریکا را گشود. آمریکا ۱۸ فوریدین ۱۳۵۹ به بهانه اشغال سفارت با ایران قطع رابطه کرد و تحریم اقتصادی ایران، تعلیق خرید نفت، مسدود کردن دارایی‌های ایران از جمله سپرده‌های بانکی در آمریکا و تحمیل تحریم اقتصادی بین المللی، اخراج برخی ایرانیان مقیم آمریکا و طراحی عملیات ناموفق طیس، تحمیل یک جنگ ویرانگر علیه ایران با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی، حمله به سکوهای نفتی و کشتی تدارکاتی ایران اجر و شلیک به هواپیمای غیرنظامی ایرپاس که منجر به کشته شدن ۲۹۰ مسافر ایرانی و خارجی گردید، همچنین فروش تسلیحات به کشورهای عربی و ایجاد ناامنی در منطقه و تهاجم تبلیغاتی وسیع علیه ایران، اتهام حمایت از تروریسم و داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، میکروبی و شیمیایی و تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، مخالفت با جریان صلح خاورمیانه و نقض حقوق بشر از سوی ایران... از استراتژی‌های خصمانه روسای جمهور آمریکا بود.

اما وضعیت بحرانی میان ایران و آمریکا با سخنرانی جورج بوش در ۹ بهمن ۱۳۸۰ و تهدید ایران به حمله نظامی اوج گرفت.

پس از سرنگونی اولیه طالبان و استقرار دولت موقت حامدکرزی که بی‌مساعدت ایران هرگز محقق نمی‌شد، رئیس جمهور آمریکا نام ایران را در محور شرارت خود قرار داد. روزی نیست که کشورمان هدف جنگ روانی سردمداران کاخ سفید قرار نگیرد. سران آمریکا صراحتا از فروپاشی نظام ایران سخن گفته و می‌گویند، در این راستا به کمک عوامل داخلی خود پروژه اغتشاش را تدارک دیدند و جالب این‌که ریچارد بوش، سرخنگوی پیشین کاخ سفید ۲۴ خرداد ۱۳۸۲ اساسات آمریکا را حمایت از مخالفان ایران اعلام کرد.

## ارزیابی سود و زیان برقراری رابطه با آمریکا

با شناخت جامعی که از ساختارهای سیاسی و اجتماعی و سیاست خارجی آمریکا درباره ایران به دست داده شد، اکنون به موضوع برقراری رابطه با آمریکا و سود و زیان‌های آن بپردازیم.

آمریکا علاوه بر سود اقدام سیاسی، نظامی، اقتصادی و به‌ویژه جنگ مستمر فرهنگی علیه ایران انجام داد؛ نگاهی به تاریخ روابط بین ملت‌ها نشان می‌دهد که هر یک از این اقدامات می‌توانست یک جنگ تمام‌عاره را برپا بیندازد.

عدم برقراری رابطه میان ایران و آمریکا مؤلفه‌ای است که حتی گاهی برای فشار بر سیاست خارجی ایران استفاده می‌شود

بنا به تحلیل برخی محافل سیاسی، در صورت بهبود روابط با آمریکا مشکلات اقتصادی کشور حل خواهد شد در مردم عادی نیز شایع شده تداوم دشمنی با این قدرت، مانع خروج از تنگناهای اقتصادی شده است.

برخی دیگر، تحریم‌های آمریکا علیه ایران را مانع فرصت‌های اقتصادی و تجاری به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز، همچنین مانع کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی پول و اعتبار برشمرده‌اند. برخی از استراتژیست‌های سیاست خارجی آمریکا توصیه می‌کنند که واشنگتن در قالب تئوری فشار از درون و چانه‌زنی از بیرون، روابط آینده خود با ایران را تنظیم کند.

## کنش‌اش ایدئولوژیکی

نزاع آمریکا و ایران، رنگ و بوی ایدئولوژیک به خود گرفته و کوچک‌ترین اشتباه ایران در هر بعدی از اقتصاد، فرهنگ یا سیاست به معنی شکست ایدئولوژی ایران است که امید خسته‌دلان تاریخی به‌شمار می‌رود که جز خشونت و استعمار چیزی به خود ندیده‌اند، بنابراین نباید مقدمت مرگ آن را به دست خود فراهم سازیم؛ زیرا شکست آن به معنی شکست ایدئولوژی ملت‌های مظلومی خواهد بود که مقاومت در برابر ایدئولوژی مهاجم غربی آمریکا را ممکن یافته‌اند.

## خودخواهی آمریکایی

حقیقت آن است که عدم صداقت آمریکا، پیشینه سوء آن در میان ملل آزاده جهان و حمایت بی‌چون و چرا از رژیم اشغالگر نیز دلیل دیگری بر فقدان شرایط برای مذاکره با آمریکا بود.

روژه گارودی، فیلسوف فرانسوی می‌گوید: جهانی شدن به سبک آمریکایی شکل جدیدی از استعمار است و این همان مدلی است که گورباچف از آن به‌عنوان بازگشت به استعمار و برقراری ریاست جهانی آمریکا یاد کرده است.

گورباچف معتقد است که جهانی شدن به معنای نادیده گرفتن منافع ملی کشورهای مختلف است. به گفته رمزی کلارک، «داستان اسبق آمریکا در آمریکا کسانی فرضیه نظم نوین جهانی را ارائه کردند که خواهان سلطه بر تمامی جهانند.

## از خلیج همیشگی فارس تا فلسطین

خاورمیانه به هارلند اوراسیا و نقطه تعادل ژئوپلیتیک دنیا معروف شده و محل تلاقی منافع کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهان بوده و ایران به‌دلیل موقعیت حساس آن، از نقش محوری در این منطقه برخوردار است.

تلاش آمریکا برای تحمیل رژیم صهیونیستی به فلسطین و منطقه؛ عامل اصلی تضاد جمهوری اسلامی با سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا به‌شمار می‌رود.

آخرین تسبیجی‌های داخل ایران نشان می‌دهد که بیش از ۷۲ درصد مردم تهران از سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین حمایت می‌کنند. این آمار پیش از جنگ غزه بوده و در حالی است که آمریکایی‌کی از پیش شرط‌های اصلی مذاکره با ایران را عدول تهران از مواضع خود در قبال فلسطین خوانده است. پذیرش چنین شرطی در شرایط کنونی، برای ایران هم تحقیرآمیز است و هم ضد دیپلماتیک؛ چرا که پس از دهه‌ها مقاومت، حتی شماری از کشورهای محافظه‌کار عرب به موضع جمهوری اسلامی نزدیک شده‌اند و همین نیز پیوندهای تازه‌ای میان ایران و کشورهای اسلامی درافکنده است.

## موقعیت استراتژیک و ژئواکونومیک ایران

با توجه به موقعیت استثنایی ژئوپلیتیکی ایران در منطقه از دریای خزر تا خلیج همیشگی فارس؛ آمریکا بر آن است تا با هدر دادن فرصت‌های ایران به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز اجازه ندهد در بلندمدت از این فرصت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه بهره‌برداری کند. لذا این تحلیلی خوشبینانه خواهد بود اگر تصور کنیم آمریکا در صورت برقراری رابطه با ایران از تعهدات خود نسبت به هم‌پیمانانش به نفع ایران عدول خواهد کرد.

کند تیمرمِن، کارشناس مسائل ایران در نیویورک تایمز می‌نویسد: اگر ایران تحریم نشود، آن وقت به کانال اصلی صادرات نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی تبدیل خواهد شد، ضمن این‌که مشروعیت و اقتدار بیشتری پیدا خواهد کرد. با لغو تحریم‌ها عملا ابرقدرت شدن ایران را در منطقه تضمین می‌کنیم.

## محاصره ایدئولوژیک ایران

انقلاب اسلامی ایران براساس یک الگوی سیاسی کنش گرا از اسلام بنیان‌گذاری شده از آن زمان تاکنون، آمریکا با ارائه نسخه بدل‌های مختلفی سعی بر خنثی کردن این حرکت اصولی داشته؛ الگوهایی چون لانژیک و سکولار ترکیه و الگوی دیکتاتوری مبتنی بر اسلامیت در عراق دوران صدام، الگوی اسلام خنثی و جبرپذیر در عربستان و الگوی خشن و متحجر طالبان در افغانستان [خراسان بزرگ].

جنبش هویت‌یابی جهان سوم در قالب حرکت‌های ملی دینی و... الهام انقلاب ایران به جهان است. اتهام بزرگ ایران همین بود که در منطقه حساس خاورمیانه، پیشقراول چنین جنبشی بود، لذا ابلا فاصله پس از انقلاب، زیپ‌گنی و برژنسکی مشاور امنیت کارتر موضوع هلال بحران را مطرح کرد تا از فراگیر شدن الگوی دموکراسی دینی ایران در جهان اسلام به‌گونه‌ای جلوگیری کند.

همچنین پیش شرط‌های آمریکا برای مذاکره مانند حذف گزینش از نظام اداری کشور، حذف نهادهای انقلابی و حذف یا تعدیل آن دسته‌از اصول قانون اساسی که بر اسلامیت نظام تاکید دارند، نشان می‌دهد واشنگتن با اصل انقلاب و نهاده‌ها و قوانین منبعث از آن مشکل دارد.

در دانش صالح‌مخ هسته‌ای، آمریکا تلاش می‌کند ایران را از دستیابی به این نوع فناوری باز دارد درحالی‌که رژیم صهیونیستی، یک قدرت هسته‌ای است و کشورهای منطقه را معمولاً تهدید می‌کنند.

نیز پیش‌شرط آمریکایی بر عدول ایران از مواضع خود در قبال فلسطین، اخذ مواضع همسوا با سیاست‌های آمریکا حتی با عرف دیپلماتیک همخوانی ندارد، به‌ویژه که رفتار سیاسی آمریکا نشان می‌دهد صداقت در اظهارات مقاماتش وجود ندارد.

## رابطه، مساوی با خودزنی است

پاتریک کلاسون، رئیس تحقیقات مؤسسه سیاست‌های خاور نزدیک و واشنگتن در میزگرد نظریه‌پردازان آمریکایی پیرامون اهمیت روابط ایران و آمریکا و تاکتیک‌های موثر بر استحاله و سقوط ایران می‌گوید.

سیاست بازدارندگی، مانع از خوشبینی مابه تضادهای درونی در ایران نمی‌شود، همان‌گونه که در مورد شوروی عمل کردیم ما می‌توانیم با دولت ایران مذاکره داشته باشیم ولی با صراحت، نامشروع بودن حکومت و لزوم تغییر آن را مطرح کنیم. کند تیمرمِن، محقق مسائل ایران نیز در این میزگرد اظهار می‌دارد: بدترین سیاست این است که ما از طریق معامله و ادامه تجارت با ایران، این رژیم را مشروع جلوه دهیم. برقراری رابطه با ایران به معنی ختم انقلاب است. زمانی‌که ستون مبارزه با آمریکا فرو بریزد، کل انقلاب فرو خواهد ریخت!

برنامه و سیاست بخشی از دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا شکست برنامه‌های ایران در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و بازسازی است، زیرا اگر ایران در این برنامه‌ها موفق شود به‌عنوان یک الگوی موفق، مورد توجه دیگر کشورهای اسلامی قرار خواهد گرفت.

با توجه به قرآن موجود، واشنگتن از جهتگیری‌های انحرافی داخل کشور حداکثر سوءاستفاده را می‌برد که از رابطه با آمریکا دفاع می‌کنند. همچنین رسانه‌های غربی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایرانیان معمولاً مواد لازم را برای خوراک‌های جنگ نرم (در این زمینه) از زبان برخی فعالان سیاسی داخلی مطرح می‌کنند.

اصولا عامل اصلی این عدم ارتباط در رفتار استکباری آمریکا و رویکرد استکبارستیزی ایران نهفته است و مادامی‌که هر یک از طرفین، تغییر رفتار خود را به منزله تحول در ایدئولوژی خود می‌دانند، نه تنها رابطه با آمریکا بلکه هرگونه مذاکره با آمریکا به منزله به‌ثمر رسیدن باج‌خواهی و تلاش آمریکا برای تحقیر ایران تلقی خواهد شد.

## هوشیاری ایران

جفری کمپ، رئیس برنامه‌های راهبردی منطقه‌ای در مطالعات نیکسون با اشاره به این‌که ظاهرا مقامات ایرانی دست آمریکایی‌ها را خوانده‌اند، می‌گوید ما تلاش‌های زیادی برای مذاکره با ایران کردیم از نظر آنها تا زمانی که دو طرف از شرایط مساوی برخوردار نباشند اما کن این قضیه وجود نخواهد داشت، قاعداً آنها هم می‌دانند که ما می‌خواهیم مثل برخورد تانیا‌هو با عرفات، با فهرستی از موضوعات، سلاح‌های اتمی، تروریسم و صلح خاورمیانه وارد اتاق مذاکره شویم و ایرانی‌ها این را نمی‌پذیرند.

## نگره آشتی گرایان و نقد آن

به گمان برخی‌ها، مشکلات ما از دشمنی با آمریکا سرچشمه گرفته‌لذا پیشنهاد می‌کنند که با صرف‌نظر از اصول خود به سطح پیشین روابط با آمریکا بازگردیم تا برای حل معضل‌های اقتصادی و تأمین منافع ملی از برخی پیشنهادها و شرط‌های آمریکا استقبال کنیم تا راه رفاقت دائمی بازگردد.

این گروه معین نمی‌کنند که تاچه میزان باید تساهل به خرج داد و آیا باید از اصول عقب‌نشینی کرد یا منافع را در نظر گرفت و همچنین محدوده این تساهل تا کجا باید باشد. درعین حال، توضیح نمی‌دهند که چرا رژیم پیشین، که دوست آمریکا بود، نتوانست به توسعه دست یابد و برای دستیابی به دموکراسی با استقلال اقتصادی، ناگزیر از دگرگونی انقلابی بشد؟

مردم ایران هنوز فراموش نکردند که واین برگز، وزیر دفاع وقت آمریکا از ملت ایران به‌عنوان افرادی و حشّی و بی‌هویت یاد کرد یا وزیر خارجه وقت آمریکا که گفت باید ریشه ملت ایران را سوزاند یا جورج بوش که بعد از راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن ۱۳۸۰ تلویحا از ایرانی‌ها به‌عنوان ملّتی وحشی یاد کرد.

با این همه آیا راهی برای مذاکره و ارتباط باقی می‌ماند؟

## پاسخ، کوتاه‌است!

هرگونه مذاکره و مصالحه در برقراری رابطه با آمریکا تنها در شرایطی قابل قبول است که مغایر اصول انقلاب و مصالح ملی نباشد و عدول آمریکا از مواضع و رفتار استکباریش را به همراه داشته باشد.

طرفداران مذاکره با آمریکا عدم روابط سیاسی بین دو کشور را موجب تداوم خصومت و دشمنی می‌شمارند که با ایجاد روابط دوجانبه، این دشمنی‌ها پایان خواهد پذیرفت و می‌توان این روابط را براساس احترام متقابل و منافع ملی استوار ساخت، همچنین خارج شدن نام ایران از لیست سیاه آمریکا به عنوان یک کشور تروریست با ناقض حقوق بشر از دستاوردهای مهم ایجاد رابطه است.

### نقد آشتی

در اینجا چند پرسش مطرح است که این گروه باید به آن پاسخ دهند.

رفتار گذشته و حال دولت آمریکا علیه ایران و منافع ملی آن، کجای این پیشنهاد قرار می‌گیرد؟ آیا خصومت‌های گذشته و حال آمریکا را باید بذیریم گرفت و با دولتی رابطه برقرار کرد که جز به فروپاشی نظام مورد تأیید مردم رضایت نمی‌دهد؟! با توجه به خصومت و اقدامات کینه‌توزانه آمریکا چه تضمینی وجود دارد که آمریکا بپذیرد ایران با حفظ اصول و ارزش‌های خود روابط دوستانه را بپذیرد! اگر برقراری رابطه با آمریکا مستلزم دست برداشتن ایران از اصول و ارزش‌های خود باشد آیا این رابطه چه ارزشی دارد!

اگر ایران از اصول سیاست خارجی خود به نفع خواسته‌های آمریکا دست بکشد، از نظام اسلامی تنه‌ا می‌باقی می‌ماند.

و اما اگر ایران در برابر خواسته‌های نامشروع آمریکا مقاومت کند و شرایط آن را نپذیرد؛ در این صورت چاره‌ای جز تحمل فشارها و تهدیدات آمریکا ندارد.

اگر فرضا بپذیریم با برقراری رابطه، نام ایران از فهرست کشورهای حامی تروریسم و ناقض حقوق بشر حذف می‌شود (بنابر اصل منطقی) باید بپذیریم که قرار گرفتن نام ایران در این فهرست برای باج‌خواهی بوده و شروع مذاکره به معنای تسلیم شدن در مقابل این باج‌خواهی است.

## مذاکره و اقتصاد

همچنین گروه فوق بر این باورند که با ایجاد روابط دوستانه با آمریکا مشکلات اقتصادی کشور به یکباره حل خواهد شد و مردم از زیر فشارهای اقتصادی ناشی از این دشمنی خارج خواهند شد. در این باره نخست باید مشخص کنیم ایران با این جغرافیای سیاسی فرهنگی و اقتصادی خاص برای حفظ استقلال سیاسی چه بهیایی باید بپردازد و آیا طرفداران رابطه برای این استقلال ارزشی قائلند یا نه!

و اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ یعنی (پس از کودتای ۲۸ امرداد از سوی آمریکا) که شاه، روابط کامل و همه‌جانبه‌ای با آمریکا برقرار کرد و آمریکایی‌ها بر تمام مقدرات کشور حاکم بودند؛ آیا از رشد و توسعه مناسبی برخوردار بود یا اساسا بسیاری از اشکالات زیربنایی در اقتصاد ایران ناشی از همان دوران رابطه با آمریکا است. کارشناسان با تحلیل اقتصاد کشورهایی نظیر مصر مکزیک و برزیل بر این باورند که حمایت اقتصادی ظاهری آمریکا

در حقیقت بنیاد اقتصادی این کشورها را از هم گسسته است و آنها جزو نیازمندترین و بدهکارترین کشورهای جهان هستند، بنابراین چه تضمینی وجود دارد که آمریکا چنین رفتاری با ما نداشته باشد؟

تجربه ارتباط کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، آسیای میانه، جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه نشان می‌دهد که اهداف آمریکا از برقراری روابط، وابسته‌کردن، عقب نگه داشتن و مونتاژی کردن اقتصاد این کشورها و اجرای سیاست‌های تهی‌سازی نسبت به آنها بود و همچنان هست، موفقیت بعضی کشورها نظیر کره جنوبی یا ژاپن از آن‌رو بوده که آمریکا می‌خواسته این کشورها را در برابر نفوذ کمونیسم به خود وابسته کند و دروقع به مهار کمونیسم‌گرایی بپردازد. این قبیل کشورها همواره به‌عنوان یکی از ایالت‌های آمریکا عمل کرده‌اند بدون این‌که از مزایای شهروندی آمریکا برخوردار باشند؛ کشورهایی مانند ترکیه، اندونزی، مصر و پاکستان که دارای روابط اقتصادی خوبی با آمریکا هستند؛ نه‌تنها موفق به حل مشکلات خود نشده‌اند، بلکه بر مشکلات آنها افزوده شده!

## عبث تاریخی

رفتار گذشته آمریکا در قبال دو کشور عراق و سوریه نشان می‌دهد که آمریکا اگر منافعش اقتضا کند روابطش با کشورها را نادیده می‌گیرد حتی تا براندازی حکومت آنها پیش می‌رود!

شاه در آخرین روزهای حیات خود به وزیر خزانه‌داری دولت کارتر گفت: ایران در دست شما بودو اقتصاد مملکت را خود شما اداره و برنامه‌ریزی می‌کردید. هیچ چیز در دوران من بدون نظر و هماهنگی شما انجام نمی‌گرفت؛ اینها نمونه‌هایی از وابستگی ایران آن روزگار به آمریکا است.

**از توطئه‌های آمریکا علیه ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:**

اتخاذ سیاست مهار علیه ایران حمله به ناوگان دریایی ایران ممانعت از اجرای قراردادهای نفتی پتروشیمی نیروگاه‌های اتمی ممانعت از دستیابی ایران به غرامت ناشی از جنگ تحمیلی؛ سیاست مهار دوجانبه و قانون داماتو، مخالفت با عبور خط لوله نفت و گاز آسیای میانه از ایران و ممانعت از اعطای وام توسط بانک‌های جهانی و به‌ویژه راهبرد براندازی و تغییر نظام که در این باره جیمز ولز، رئیس سابق سیا و مشاور بوش در مصاحبه‌ای گفت: تغییر رژیم ایران باید ریشه‌ای صورت گیرد چه آرام و چه رادیکال... اگر بخوایم در خاورمیانه به ما احترام بگذارند باید با روش‌های ماکاولی، اسلام‌گرایان را بت‌رسانیم روش برخورد مادر افغانستان آغاز خوبی بود.

اگر آمریکا بتواند بنیادگرایان اسلامی را متقاعد سازد که الگوی حکومت اسلامی توان اداره کشور را ندارد و ناگزیر از همکاری با قطب سرمایه‌داری است در این صورت تا حد زیادی تب و تاب جنبش‌های آزادیبخش و اصولگرا که به تاسی از انقلاب اسلامی در برابر قدرت‌های برتر قد علم کرده‌اند فروکش خواهد کرد.

## استوار مثل ایران

اما آنچه در مورد ایران قابل ذکر است میزان پیوستگی عمیقی است که بین اصول و منافع آن وجود دارد و آنچه استراتژی و تاکتیک سیاست‌گذاران آمریکا در مورد ایران را عوض خواهد کرد، وحدت و همبستگی ملت ایران و مواضع قاطع و سنجیده مسئولان آن است. مارتین دپلیون از صاحب‌نظران جهانی در مسائل اطلاعاتی و امنیتی روسیه خاورمیانه و ایرلند طی مطالبی در رسانه‌های غربی تحت عنوان طرح محرمانه سیاه برای ایجاد اختلاف سیاسی در ایران نوشت:

دستیاران ارشد پشت در پنتاگون و سیا متفق‌بر این عقیدند که ایران در معرض خطر اختلافات داخلی است و باید همه تلاش‌ها را برای بی‌ثبات کردن آن از درون صورت گیرد. سیا... آماده است یک جنگ تبلیغاتی آشکار و پنهان به راه اندازد تا به این وسیله سرخوردگی و یأس مردم را از حکومت برجسته‌کند.

باتوجه به روند گذشته و شرایط موجود تنها چیزی که حتی حماقت آمریکایی‌ها را نیز مهار می‌کند وحدت بیشتر مردم و جناح‌های سیاسی است.

ایرانی‌ها به‌رغم کاستی‌های موجود هرگز ننگ حاکمیت بیگانه را نمی‌پذیرند.

**این مطلب برگرفته از کتاب بررسی ماهیت قدرت و سیاست خارجی آمریکا و موضوع برقراری رابطه» نوشته دکتر علی اکبر ولایتی می‌باشد.**